

جلسه ی نهم

انسان

از دیدگاه قرآن کریم

(لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَ فَلَآ تَعْقِلُونَ)



(کتابی (با عظمت) را به سوی شما نازل
کردیم که ذکر شما در آن است پس چرا
عقل خود را به کار نمی گیرید؟)

(سوره ی انبیاء، آیه ی ۱۰)

آنچه گذشت

خداوند در قالب یک استفهام توبیخی
در پاسخ به سخن قارون که گفت:

.....
(قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي)

من این (مال) را،

با تکیه بر (علم خودم) به دست آوردم.

.....
با عبارتی کوتاه و جامع می‌فرماید:

أَوْ لَمْ يَعْلَمِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ
الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَمْعًا



آیا نمی‌دانند که خداوند قبل از او اقوامی را
هلاک کرده است که:

(از او نیرومندتر و ثروت‌اندوزتر بودند)،

(علمی هست که)؛

(اراده‌ی صرف حیات دنیا)،
(غرق شدن در آن) و (غفلت از ذکر)،
دست‌رسی انسان را از آن قطع می‌کند.

اما (ذکر الله)، و (دل نبستن به حیات دنیا)،
باب این علم را برای انسان باز می‌کند.

(ترک هواهای نفسانی)

(و محروم شدن از بسیاری از خواسته‌ها)،



فقط با تحمل تلخی

(صبر در برابر مخالفت با طبع)،

(و سرکشی از گردنکشی نفس اماره)،

به دست می‌آید.

ادامه‌ی سخن

عبرت تماشاچیان دیروز

آخرین آیه‌ی این داستان:
دگرگونی عجیب تماشاچیان دیروز را که:



از مشاهده‌ی **(جاه و جلال قارون)**،
به وجد و سرور آمده بودند و آرزو می‌کردند که:
ای کاش به جای او بودند بیان می‌کند.

(وَ أَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ)



کسانی که دیروز آرزو داشتند به جای او باشند،

آن گاه که:

صحنه‌ی فرو رفتن او و ثروتش را به قعر زمین

دیدند، می‌گفتند:

(وَيُكَانُ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ
يَقْدِرُ)



وای بر ما! گویی خدا روزی را،
(بر هرکس از بندگان بخواند گسترش می‌دهد)
(و بر هرکس بخواند تنگ می‌گیرد)

(وَى)،

کلمه‌ی (تعجب و پشیمانی) است؛

که هر دو یعنی:

(تعجب و پشیمانی) در اینجا صادقند،

اگرچه (پشیمانی)،

بیشتر به مورد بحث نزدیک است.

در نتیجه ترجمه‌ی کامل
(وَيَكُنَّ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ)
این است که:



(اهل دنیای دیروز)،
(یعنی کسانی که قارون را تا دیروز تحسین می‌کردند)،
(و آرزو داشتند مثل او باشند)،
(با شگفتی و ندامت)،
(متوجه کلام توحیدی اهل ایمان به قارون شدند)
(و زبان به اعتراف و اذعان توحید گشودند)

(وَيُكَانُ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ
يَقْدِرُ)



وای بر ما! گویی خدا روزی را،
(بر هرکس از بندگان بخواند گسترش می‌دهد)
(و بر هرکس بخواند تنگ می‌گیرد)

(اهل دنیای دیروز)،

(با شگفتی و ندامت)،

(متوجه کلام توحیدی اهل ایمان به قارون شدند)

(و زبان به اعتراف و اذعان توحید گشودند)

(اعتراف به بطلان ادعای قارون)، که:

(إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي)

من این (مال) را،

با تکیه بر (علم خودم) به دست آوردم.



اعتراف به این که:

(قَبْضُ وَبَسْطُ رِزْقٍ) به دست الله تعالی است.

سپس در این فکر فرو رفتند که:

.....

اگر دعای مصرانه آنها دیروز به اجابت می‌رسید،
و خدا آنها را بجای قارون می‌گذاشت،
امروز چه خاکی بر سر می‌کردند؟

.....

لذا در مقام شکر این نعمت بر آمدند و گفتند:

(لَوْلا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا)



اگر خداوند بر ما منت نگذاشته بود،
ما را هم به قعر زمین فرو می برد.

(وَيَكَاَنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ)



(با شگفتی و ندامت از وضع دیروز خود)،

گفتند: ای وای!

حقیقتا کافران هرگز رستگار نمی‌شوند.

نتیجه گیری از داستان قارون

(تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا
فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ)



سرای (با عظمت) آخرت را،

تنها برای کسانی قرار می‌دهیم که:

(اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند)،

و عاقبت نیک برای (متقیان) است.

شرح آیه

(تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ)



کلمه‌ی (تِلْكَ)،

بر شرف و ارزش و بلندی جایگاه (آخِرَت)،

دلالت می‌کند،

و معلوم است که مقصود از (الدَّارُ الْآخِرَةُ)،

(جایگاه سعادتمندانه‌ی آخرت) است.

(جایگاه سعادت‌مندان‌ی آخرت)

به چه کسی تعلق دارد؟

(نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ)
(لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا)

.....

سرای (با عظمت) آخرت را،
تنها برای کسانی قرار می‌دهیم که:
(اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند).

مرحوم علامه‌ی طباطبائی می‌فرمایند:
(إرادة العلو هو الاستعلاء و الاستكبار على عباد الله و إرادة
الفساد فيها ابتغاء معاصي الله تعالى)؛

.....

مقصود از:

(اراده علو در زمین و فساد).

(برتری جویی)

و (خود را بزرگتر از بندگان خدا دیدن/استکبار)،

و (اراده‌ی فساد در زمین به سبب طلب نافرمانی از الله)، است.

(فإن الله بنى شرائعه التي هي تكاليف للإنسان على مقتضيات
فطرته و خلقته و لا تقتضي فطرته إلا ما يوافق النظام الأحسن
الجاري في الحياة الإنسانية الأرضية)؛



خداوند شریعت خود را که همان تکالیف انسان است:

(بر اساس فطرت و خلقت انسان طراحی کرده است).

احکام فطرت نیز:

(بر اساس نظام احسن جاری در حیات زمینی انسان است)؛

(فكل معصية تقضي إلى فساد في الأرض بلا واسطة أو بواسطة)؛
(قال تعالى: ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ)؛

.....

پس هر معصیتی، بدون واسطه یا با واسطه،

(منجر به فساد در زمین می‌گردد)؛

حق تعالی می‌فرماید:

بسبب اعمال انسانها،

(فساد در دریا و خشکی ظاهر شده است).

(و من هنا ظهر أن إرادة العلو من مصاديق إرادة الفساد)؛
(و إنما أفردت و خصت بالذكر اعتناء بأمرها)؛



از اینجا معلوم می شود که:

(اراده علو / برتری جویی)،

(یکی از مصادیق فساد است)،

و به خاطر اهمیتش،

به طور خاص و به تنهایی ذکر شده است.

(فساد مصادیق فراوانی دارد)،

.....

(اراده علو / برتری جویی)،

(فقط یکی از مصادیق فساد است)،

اما آنچنان اثر تخریبی دارد،
که به عنوان یک فرد مستقل و به تنهایی
در کنار فساد ذکر شده است.

پایان جلسه ی نهم

انسان

از دیدگاه قرآن کریم